

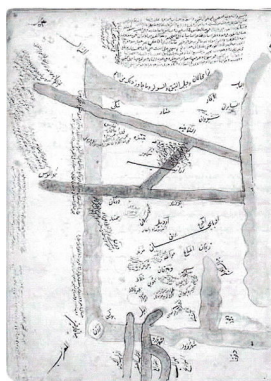


ایران در دوران معاصر

## تاریخچه قفقاز

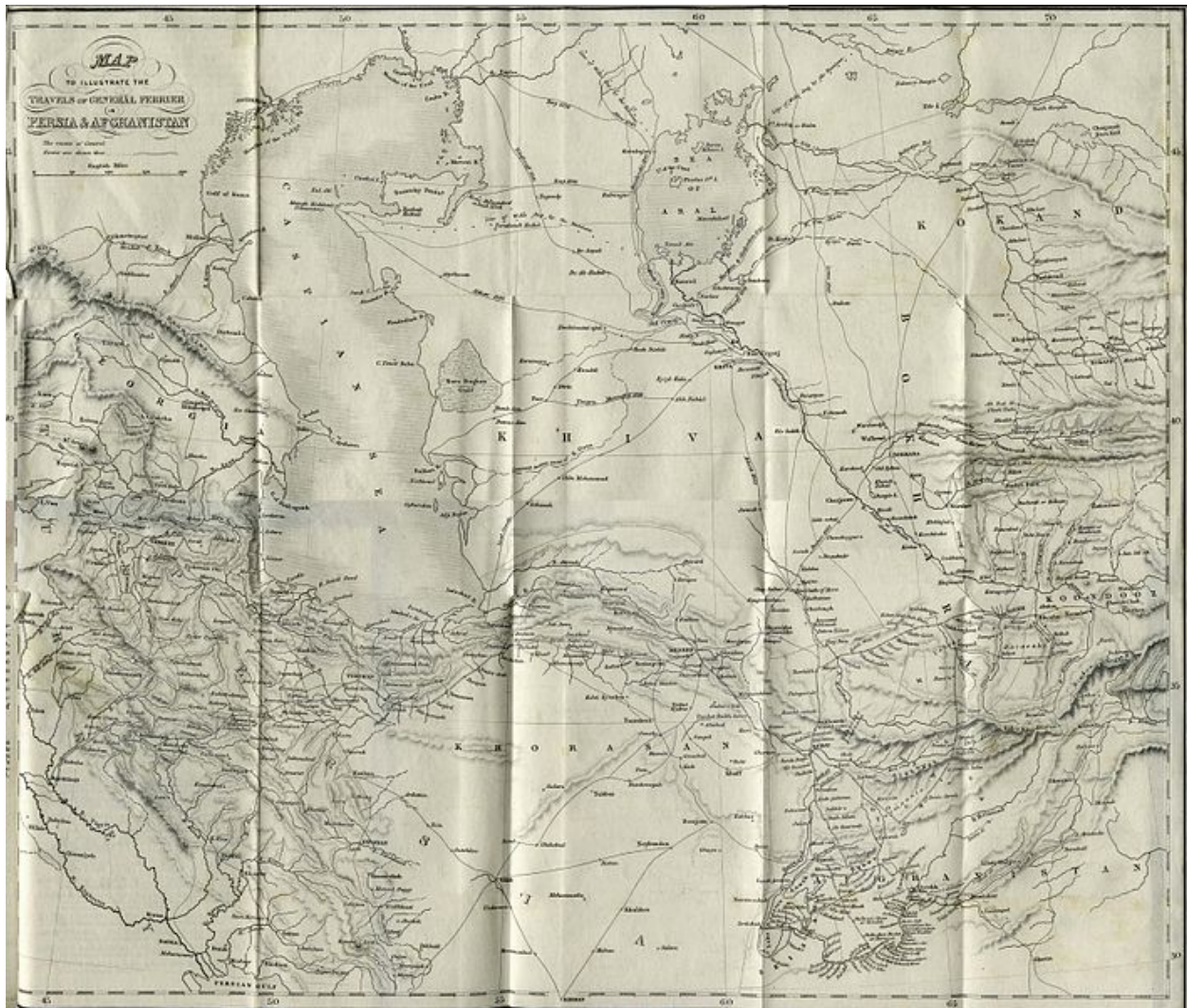
نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۱۲ اسفند ۱۳۹۳ ۷۰ دقیقه مطالعه



### چکیده مقاله

نقشه ایران که قفقاز و گرجستان را به تصویر می‌کشد. (۱۸۵۶) بنابر نظر واسیلی بارتلد، نام آذربایجان از آن جهت بر مناطق قفقاز گذاشته شد که گمان می‌رفت با برقراری یک جمهوری جدید به نام آذربایجان، آذربایجان ایران و این جمهوری نوبنیاد باهم یکی شده و آذربایجان ایران از این کشور جدا شود. وی می‌گوید: «نام آذربایجان برای جمهوری آذربایجان از آن جهت انتخاب شد که گمان می‌رفت با برقراری جمهوری آذربایجان، آذربایجان ایران و جمهوری آذربایجان یکی شوند... نام آذربایجان از این نظر برگزیده شد. هرگاه لازم باشد نامی انتخاب



نقشه ایران که قفقاز و گرجستان را به تصویر می‌کشد. (۱۸۵۶)

بنابر نظر واسیلی بارتلد، نام آذربایجان از آن جهت بر مناطق قفقاز گذاشته شد که گمان می‌رفت با برقراری یک جمهوری جدید به نام آذربایجان، آذربایجان ایران و این جمهوری نوپدید باهم یکی شده و آذربایجان ایران از این کشور جدا شود. وی می‌گوید: «نام آذربایجان برای جمهوری آذربایجان از آن جهت انتخاب شد که گمان می‌رفت با برقراری جمهوری آذربایجان، آذربایجان ایران و جمهوری آذربایجان یکی شوند... نام آذربایجان از این نظر برگزیده شد. هرگاه لازم باشد نامی انتخاب شود که بتواند سراسر جمهوری آذربایجان را شامل گردد، در آن صورت می‌توان نام اران را برگزید.»

در همان زمان مخالفت‌هایی با این نام‌گذاری در ایران انجام شد و افراد و رسانه‌ها، محمد خیابانی، روزنامه جنگل و روشنفکران آذربایجانی ایرانی، واکنش منفی به این نام‌گذاری نشان دادند. ولادیمیر مینورسکی می‌گوید که این نام‌گذاری دولت مساوات در زمان نوری‌پاشا انجام گرفت.

در همین راستا یوزف مارکوارت یک مقاله نوشت که در نشریه «ایران‌شهر» ترجمه و چاپ گردید: «پیش از همه لازمست که حکومت ایران با استناد تمام عناصر ملت ایرانی بدون تفریق زبان و مذهب برضد استعمال نام آذربایجان که جمهوریت تاتار قفقازی برخلاف حقیقت علمی و بدون استحقاق به خود چسپانده‌است، یک اعتراض سختی و قطعی به عمل بیاورند. در صفحات تاریخ به قدری کافی ثابت و مبرهنست که آذربادگان و یا آذربایجان - که عرب‌ها آذربایجان نوشته‌اند- در تمام ازمئه تاریخی در شمال ایران تا رود ارس امتداد داشت و در ابتدا قسمتی از ایالت شمالی ایران یعنی مدی را تشکیل می‌داده‌است. این قسمت از ایالت مدی در زمان استیلای ایران از طرف اسکندر در زیر اداره ساتراپ یعنی حاکم آن زمان که آتورپات (آذرباد) نام داشت، دم از استقلال می‌زد و از نام این ساتراپ آتورپاتکان یا آذربادگان نامیده می‌شد. گرچه یکی از جانشینان آتورپات که آرتابازان نام داشت حوزه حکومت خود را وسعت داده و از شمال و شمال‌غربی تا کوه‌های قفقاز و تا گرجستان رسانید؛ ولی این توسیع مملکت موقتی بود زیرا پس از تأسیس سلطنت ارمنستان شرقی از طرف آرتاکسیس باز آن قسمت پس داده شد. و اما مملکتی که در شمال رود ارس بود و امروز اکثر اهالی آن تاتار هستند، در زمان قدیم آلبانی نامیده می‌شد که به زبان پارسی میانه یعنی پهلوی و به سریانی اران (به تشدید را) می‌گفتند و در کتب مورخین عرب نیز اران مذکور است. این تعبیر در تاریخ زندگانی شاه اسماعیل و در تاریخ کردستان تألیف شرف‌الدین بتلیسی پیش می‌آید. دولت روس بدبختانه این تعبیر تاریخی یعنی اران را به کار نبرده‌است؛ در صورتی که بعضی نام‌های دیگر تاریخی را مانند فرغانه و غیره چنان‌که هم می‌بایست نگه‌داشت. این دو مملکت اران و آذربایجان که اولی در شمال و دومی در جنوب رود ارس واقع است با استثنای گوشه شرقی آن یعنی شیروان امروزی از حیث روابط نژادی اساساً و به کلی متفاوت هستند و تا عهد مغول‌ها هریک از این‌ها تاریخ جداگانه مخصوص برای خود داشته‌است. و بدین‌جهت باید هریک از این‌ها علاحد به زیر تدقیق و تحقیق گذاشته شود...»

احمد کسروی در شهریاران گمنام می‌نویسد: «شگفت است که آران را اکنون «آذربایجان» می‌خوانند؛ با آن‌که آذربایجان یا آذربایگان نام سرزمین دیگریست که در پهلوی آران و بزرگ‌تر و شناس‌تر از آن می‌باشد و از دیرین‌زمان که آگاهی در دست هست، همواره این دو سرزمین از هم جدا بوده و هیچ‌گاه نام آذربایجان بر آران گفته نشده‌است. ما تاکنون ندانسته‌ایم که برادران آرانی ما که حکومت آزادی برای سرزمین خود برپا کرده و می‌خواستند نامی نیز بر آن‌جا بگذارند، برای چه نام تاریخی و کهن خود را کنار نهاده، دست یغما به سوی آذربایگان دراز کردند؟ و چه سودی را از این کار شگفت خود امیدوار بودند؟ این خرده‌گیری نه از آنست که ما برخاسته آذربایگانیم و تعصب بوم و میهن خود نگه می‌داریم. چه آذربایگان را از این کار هیچ‌گونه زیان نیست؛ بلکه از اینست که برادران آرانی ما در آغاز زندگانی ملی و آزاد خود، پشت‌پا به تاریخ و گذشته سرزمینشان می‌زنند و این خود زبانی بزرگ است. و آن‌گاه تاریخ مانند چنین کار شگفت سراغ ندارد!»

محمدجواد مشکور نیز در این باره نوشته‌است: «ایالت اران که در دوران اسلامی به این نام مشهور بود، از زمان ترکان قراقویونلو و آق‌قویونلو تا جنگ جهانی اول قراباغ... خوانده میشد. پس از شکست روسیه تزاری، مردم آن ناحیه دعوی استقلال کرده، در سپتامبر سال ۱۹۱۸ میلادی حکومتی به نام آذربایجان تحت نفوذ دولت عثمانی تشکیل دادند. غرض از این نام‌گذاری این بود که از ضعف دولت مرکزی ایران در اواخر قاجاریه استفاده کرده، آذربایجان ایران را - که مردم آن مانند اهالی قریباغ به لهجه‌های ترکی سخن می‌گفتند- با آذربایجان ساختگی به هم

پیوند داده و در دوسوی رود ارس حکومتی تحت نفوذ عثمانی تشکیل دهند؛ ولی ترکان به زودی شکستخورده و امپراتوری عثمانی تجزیه شد.»

## منابع:

• ایرانشهر، شماره ۲، مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۲۳، صفحات ۹۵ تا ۱۰۳

• احمد کسروی، شهریاران گمنام، تهران، انتشارات امیرکبیر، ج ۵، ۱۳۵۷، صص ۵۷ - ۲۵۵

• مشکور، محمدجواد، جغرافیای تاریخی ایرانباستان، ص ۲۷۲.

Vasily Bartold Bartold V.V. , "Sochineniia", volume II, part 1, "Vostochnoi Literatury" Publishers, Moscow, 1963, p. ۷۰۳ ↑ Vasily Bartold Bartold V.V. , "Sochineniia", volume II, part 1, "Vostochnoi Literatury" Publishers, Moscow, 1963, p. ۷۰۳  
 B. B. اصل روسی: Бартольд. Сочинения. Том ۲/۱, с.۷۰۳ «Ширван никогда не употреблялся в том смысле, чтобы он охватывал территорию теперешней Азербайджанской республики. Ширван — это небольшая часть с главным городом Шемахой, а такие города, как Гянджа и др. , никогда в состав Ширвана не входили, и если нужно было бы придумать термин для всех областей, которые объединяет сейчас Азербайджанская Республика, то, скорее всего, можно было бы принять название Арран, но термин Азербайджан избран потому, что когда устанавливалась Азербайджанская Республика, предполагалось, что персидский и этот Азербайджан составят одно целое, так как по составу населения они имеют очень

большое сходство. На этом основании было принято название Азербайджан, но, конечно, теперь, когда слово Азербайджан употребляется в двух смыслах — в качестве персидского Азербайджана и особой республики, приходится

(Bartold V.V, Sochineniia, Tom II, chast 1, Moscow, 1963, p. 703) ↑ Vasily Bartold Bartold V.V. , "Sochineniia", volume II, part 1, "Vostochnoi Literatury" Publishers, Moscow, 1963, p. ۷۰۳ اصل روسی: В. В. Бартольд. Сочинения. Том ۲/۱, с. ۷۰۳ «Ширван никогда не употреблялся в том смысле, чтобы он охватывал территорию теперешней Азербайджанской республики. Ширван — это небольшая часть с главным городом Шемахой, а такие города, как Гянджа и др. , никогда в состав Ширвана не входили, и если нужно было бы придумать термин для всех областей, которые объединяет сейчас Азербайджанская Республика, то, скорее всего, можно было бы принять название Арран, но термин Азербайджан избран потому, что когда устанавливалась Азербайджанская Республика, предполагалось, что персидский и этот Азербайджан составят одно целое, так как по составу населения они имеют очень большое сходство. На этом основании было принято название Азербайджан, но, конечно, теперь, когда слово Азербайджан употребляется в двух смыслах — в качестве персидского Азербайджана и особой республики, приходится

" Although the proclamation restricted its claim to the territory north of the Araxes, the use of the name Azerbaijan would soon bring objections from Iran. In Teheran, suspicions were aroused that the Republic of Azerbaijan served as an Ottoman device for detaching the Tabriz province from Iran. Likewise, the national revolutionary Jangali movement in Gilan, while welcoming the independence of every Muslim land as a "source of joy", asked in its newspaper if the choice of the name Azerbaijan implied the new republic's desire to join Iran. If so, they said, it should be stated clearly, otherwise Iranians would be opposed to calling that republic Azerbaijan. Consequently, to allay Iranian fears, the Azerbaijani government would accommodatingly use the term Caucasian Azerbaijan in its documents for circulation abroad.

Minorsky, V. ; Minorsky, V. "Ādharbaydjān (Azarbāydjān)." Encyclopaedia of Islam. Edited by: P. Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel and W.P. Heinrichs. Brill, 2007. Brill Online.

<[http://www.encylam.brill.nl/subscriber/entry?entry=islam\\_COM-0016](http://www.encylam.brill.nl/subscriber/entry?entry=islam_COM-0016)> Historically the

territory of the republic corresponds to the Albania of the classical authors (Strabo, xi, 4; Ptolemy, v, 11), or in Armenian Alvan-k, and in Arabic Arran. The part of the republic lying north of the Kur (Kura) formed the kingdom of Sharwan (later Shirwan). After the collapse of the Imperial Russian army Baku was protectively occupied by the Allies (General Dunsterville, 17 August-14 September 1918) on behalf of Russia. The Turkish troops under Nuri Pasha occupied Baku on 15 September 1918 and reorganized the former province under the name of Azarbaydjān—as it was explained, in view of the similarity of its Turkish-speaking population with the Turkish-speaking population of the Persian province of Ādharbaydjān.

#### ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «تاریچه قفقاز»، پارسیان دژ، ۱۳۹۳.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1614/pdf/قفقاز.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵